

[219] اینکہ علتی از جانب تو داشته باشد، چگونه از جانب من علتی برای آن باشد. معبودا ! تو در ذات بی نیازی از اینکہ بتو سودی از جانب خودت برسد، چگونه از من بی نیاز نباشی، بارالها قضاء و قدر مرا آرزومند سازد، و میل به اطمینانهای شهوت مرا اسیر ساخت، پس تو یاور من باش تا یاریم کنی و بینایم گردانی، و به فضل مرا بی نیاز گردان، تا از تلاشم بی نیاز گردم. تو کسی هستی کہ انوار معرفت را در قلوب اولیاء تاباندی تا تو را شناختند و به یگانگی ستودند، و تو کسی هستی کہ نامحرمان را از دلهای دوستان خارج ساختی تا غیر تو را دوست نداشته باشند، و به غیر تو پناه نبرند، تو مونس آنانی ہر گاہ جہانیان ایشان را به وحشت اندازند، و تو کسی هستی کہ ہدایتشان کردی ہر جا کہ نشانی ہا برایشان آشکار شد. چہ یافت آنکہ ترا گم کرد، و آنکہ تو را یافت دیگر چہ گمشدہ ای دارد، بہ یقین زیان کرد آنکہ جز بہ تو رضایت داد و جز تو را برگزید، و زیانکار شد آنکہ از تو گذشت و بہ دیگران رسید، چگونه بندہ بہ غیر تو امید بندد در حالیکہ احسان خویش را از او دریغ نکرده ای، و چگونه بہ غیر تو بیاویزد در حالیکہ عادت خویش بہ محبت و بخشش را تغییر ندادہ ای.
